

گریز

میخائیل بولگاکوف



ترجمه
آبتین گلکار

www.ketab.ir

سرشناسه: بولگاکوف، میخائیل، ۱۸۹۱ - ۱۹۴۰ م. Bulgakov, Mikhail
عنوان و نام پدیدآور: گریز / میخائیل بولگاکوف؛ ترجمه آبتین گلکار.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۸۲-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: عنوان اصلی: .БУЛГАКОВ,c2012.
موضوع: نمایشنامه روسی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده: گلکار، آبتین، ۱۳۵۶ - ، مترجم
رده بندی کنگره: PG۳۴۵۲
رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۱۹۵۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

БЕГ, 1957
Михаил Булгаков

گریز

میخائیل بولگاکوف

ترجمه آبتین گلکار

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: آیکان

همه حقوق محفوظ است

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

یادداشت مترجم ۱

پرده نخست ۷

رؤیای نخست ۷

رؤیای دوم ۲۱

پرده دوم ۳۹

رؤیای سوم ۳۹

رؤیای چهارم ۴۶

پرده سوم ۵۹

رؤیای پنجم ۵۹

رؤیای ششم ۶۸

پرده چهارم ۸۱

رؤیای هفتم ۸۱

رؤیای هشتم و آخر ۹۵

اسنادی درباره نمایشنامه گریز ۱۰۴

یادداشت مترجم

میخائیل بولگاکوف را در سراسر جهان پیش از همه خالق رمان‌های مرشد و مارگاریتا و گارد سفید و داستان‌های بلندی مانند قلب سگی و تخم مرغ‌های شوم می‌شناسند، ولی بخش مهمی از حیات هنری بولگاکوف با تئاتر و نمایشنامه‌نویسی نیز گره خورده است. خودش می‌گفت نثر و نمایشنامه‌نویسی برای او مانند دست راست و چپ برای پیانیست‌هاست. از میان نمایشنامه‌های او می‌توان از روزگار خانواده تورین (۱۹۲۶)، جریره افغانی (۱۹۲۷)، گریز (۱۹۲۸)، آپارتمان زویکا (۱۹۳۵)، ایوان واسیلیویچ و آدم و حوا (۱۹۳۷) یاد کرد. بولگاکوف در سال ۱۹۳۰، پس از کشمکش‌های فراوان با دستگاه سانسور اتحاد شوروی، که اجازه چاپ آثار و اجرای نمایشنامه‌هایش را به او نمی‌داد، نامهٔ جسورانه‌ای به زمامداران شوروی نوشت و درخواست کرد یا بگذارند به کار خلاقه‌اش بپردازد یا به او اجازهٔ مهاجرت بدهند. حکومت راه سومی پیش پای او گذاشت: کار در تئاتر هنری مسکو. بولگاکوف از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶ در این تئاتر به کارگردانی، بازیگری، و نوشتن نمایشنامه و لیبرتو مشغول بود و البته بهترین نمایشنامه‌هایش همچنان اجازه اجرا نداشتند. او در همان سال‌ها نسخهٔ نمایشی برخی از رمان‌های بزرگ ادبیات روسیه و جهان، مانند نفوس مردهٔ گوگول، جنگ و صلح تالستوی و دون کیشوت سروانتس را نیز برای اجرا در تئاتر آماده کرد. بدین ترتیب، آشنایی و پیوند بولگاکوف با تئاتر، به نسبت

بسیاری دیگر از ادیبان و حتی نمایشنامه‌نویسان، بسیار عمیق و نزدیک بود.

نمایشنامه‌گریز از بهترین نمونه‌های هنر نمایشنامه‌نویسی بولگاکوف است، هرچند که در زمان حیات او اجازه اجرا بر روی صحنه را پیدا نکرد. بولگاکوف متن نمایشنامه را در ۱۶ مارس ۱۹۲۸ به تئاتر هنری مسکو تحویل داد و قرار بود نمایش در فصل تئاتری آینده به اجرا درآید، اما مجوز این اجرا، به‌رغم نظر مساعد بزرگانی مانند ماکسیم گورکی و به‌رغم اصلاحاتی که بولگاکوف در چند نوبت در متن اعمال کرد، تا سال‌ها و دهه‌ها بعد نیز صادر نشد. اسنادی درباره ممنوعیت اجرای این نمایش در پایان کتاب آورده شده است.

محتوای اصلی نمایشنامه گریز یکی از موضوعات مورد علاقه بولگاکوف است: سرنوشت شخصیت‌هایی از روسیه تزاری و ارتش سفید، که پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها و پیروزی ارتش سرخ در جنگ داخلی ناگزیر به مهاجرت شدند. روزهای پایانی وابستگان روسیه تزاری در پی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و جنگ داخلی در آثار دیگر بولگاکوف مانند گارد سفید، روزگار خانواده توربین (نسخه نمایشی همان اثر) و برخی از داستان‌های او نیز به تصویر کشیده شده است، ولی اگر گارد سفید به مغلوبه شدن جنگ داخلی در اوکراین در اواخر ۱۹۱۸ اختصاص دارد، گریز راوی ماجرای شکست ارتش سفید در آخرین تکیه‌گاه بزرگ این ارتش است: شبه‌جزیره کریمه و مناطق شمالی آن، یعنی تاورییای شمالی، جایی که باقی‌مانده قوای وفادار به ارتش تزاری به فرماندهی بارون پیوتر ورائگل، معروف به بارون سیاه‌پوش، می‌کوشیدند در برابر نیروهای ارتش سرخ، که هوادار حکومت نوپای شوروی بود، مقاومت کنند. ارتش سواره‌نظام شماره ۱، که از واحدهای ارتش سرخ بود و

بیش تر با نام فرمانده اش با لقب «سواره نظام بودیونی» شناخته می شد و درباره فتوحات و توانایی هایش افسانه ها دهان به دهان می شد. مواضع ارتش سفید را یکی پس از دیگری فتح کرد و آنان را به شبه جزیره کریمه، که عملاً هیچ تماسی با سایر نقاط روسیه و شوروی نداشت، عقب راند. سرانجام در پاییز ۱۹۲۰ واحدهای ارتش سرخ با فرماندهی میخائیل فرونزه، از رجال سیاسی و نظامی شوروی، کریمه را نیز تسخیر کردند و فرماندهان و سربازان ارتش سفید و طرفداران حکومت تزاری ناگزیر با کشتی به ترکیه، یونان، فرانسه و دیگر کشورهای اروپا مهاجرت کردند.

به نظر می آید بسیاری از حوادث و سرگذشت های روایت شده در گریز مبتنی بر واقعیت باشد. منتقدان توانسته اند الگوی واقعی اغلب شخصیت ها را بیابند. ضمن آنکه احتمال فراوان دارد که تجربیات شخصی خود بولگاکوف نیز در این اثر بازتاب یافته باشد. بولگاکوف نیز، که در کی یف به دنیا آمده و در همان جا دانشکده پزشکی را به پایان رسانده بود، در زمان انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، به همراه اهالی کی یف شاهد آن بود که شهر زادگاهش چهارده بار بین نیروهای درگیر در جنگ داخلی دست به دست شد و سپس — درست مشخص نیست به انتخاب خودش یا به اجبار — به عنوان پزشک نظامی با ارتش سفید همراه شد و به جنوب روسیه عقب نشینی کرد. صحنه بازداشت و شکنجه یک زن، که هم در گریز و هم به شکل مفصل تر در داستان «من آدم کشته ام» او آمده است، احتمالاً از دیده های خود نویسنده است که تأثیر عمیقی بر او نهاده است. البته بولگاکوف در نهایت راه خود را از ارتش سفید جدا کرد (شاید به دلیل بیماری) و در اواخر سال ۱۹۲۱، با پنهان سازی کامل «پیشینه همراهی خود با ارتش سفید»، به مسکو بازگشت و به فعالیت ادبی پرثمری پرداخت که نام او را در ادبیات جهان جاودانه کرد.